



تجلی آیات قرآن بر تزیینات کتیبه ای و شعر دوره تیموری (با تاکید بر اشعار خواجه کرمانی، اهلی شیرازی و هلال جغتایی)

پروانه بادینلو^۱، دکتر عبدالرضا مدرسزاده^۲، دکتر اصغر دادبه^۳

^۱ دانشجوی دوره دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد کاشان، دانشگاه آزاد اسلامی، کاشان، ایران، p.badinloo@iaukashan.ac.ir
^۲ (نویسنده مسئول) دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد کاشان، دانشگاه آزاد اسلامی، کاشان، ایران، A.Modarres@iaukashan.ac.ir
^۳ استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران، asghardadbeh@iaukashan.ac.ir

چکیده

دوره تیموری، عصر شکوفایی هم‌زمان هنر و ادبیات فارسی است. در کنار شاعران برجسته‌ای که میراث‌دار سبک عراقی و پیش‌گام ادبیات دوره صفوی بودند، هنر معماری و به‌ویژه تزیینات کتیبه‌ای به شکوفایی بی‌نظیری دست‌یافت. این مقاله با رویکردی توصیفی - تحلیلی، به بررسی «تجلی آیات قرآن» به‌عنوان پدیده‌ای مشترک و بنیادین در دو عرصه شعر و هنرهای تزیینی معماری عصر تیموری می‌پردازد. در بُعد شعر، اثرپذیری سه شاعر شاخص این دوره - خواجه کرمانی، اهلی شیرازی و هلالی جغتایی - از آیات قرآن و احادیث، در شیوه‌هایی چون واژه‌ای، گزاره‌ای، تلمیحی و الهامی مورد واکاوی قرار می‌گیرد. در بُعد هنری، مقاله حاضر به بررسی چگونگی به‌کارگیری آیات قرآن در کتیبه‌های مساجد و بناهای باشکوهی مانند مسجد گوهرشاد، مسجد جامع تیموری سمرقند و مدرسه خرگرد می‌پردازد؛ جایی که خطوط کوفی، ثلث و نسخ در کنار کاشی‌کاری‌های معرق فیروزه‌ای و آبی، نه‌تنها به‌عنوان عنصری تزیینی، بلکه به‌مثابه بیانی هنری از کلام وحی جلوه‌گر شده‌اند. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که قرآن کریم، به‌عنوان سرچشمه‌ای یگانه، هم در جهان بینی و صور خیال شاعران و هم در زیبایی‌شناسی و مضامین تزیینات معماری این عصر نقشی محوری و هم‌سو ایفا کرده است. براین‌اساس، شعر و هنر تزیینی دوره تیموری را می‌توان دو تجلی‌گاه متمایز اما هم‌خوان از یک حقیقت مشترک دانست.

اهداف پژوهش:

۱. بررسی و مقایسه شیوه‌های تجلی آیات قرآن در شعر دوره تیموری و تزیینات کتیبه‌ای این دوره.
۲. تبیین پیوند محتوایی و زیبایی‌شناختی بین مضامین قرآنی در ادبیات و هنرهای تزیینی عصر تیموری.

سوالات پژوهش:

۱. آیات قرآن کریم چگونه هم در صور خیال شعر و هم در فرم و محتوای تزیینات کتیبه‌ای دوره تیموری تجلی یافته‌اند؟
۲. چه اشتراکات و افتراقاتی بین شیوه‌های بهره‌گیری از قرآن در متون شعری و آثار هنری این دوره وجود دارد؟

اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۵۲

دوره ۲۰

صفحه ۹۳۷ الی ۹۵۵

تاریخ ارسال مقاله: ۱۴۰۱/۰۵/۲۱

تاریخ داوری: ۱۴۰۱/۰۷/۱۹

تاریخ صدور پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۲۷

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۲/۰۱

کلمات کلیدی

آیات قرآن،
شعر دوره تیموری،
اهلی شیرازی،
خواجه کرمانی،
تزیینات کتیبه‌ای،
هلالی جغتایی.

ارجاع به این مقاله

بادینلو، پروانه، مدرسزاده، عبدالرضا و دادبه، اصغر. (۱۴۰۲). تجلی آیات قرآن بر تزیینات کتیبه‌ای و شعر دوره تیموری (با تاکید بر اشعار خواجه کرمانی، اهلی شیرازی و هلال جغتایی). مطالعات هنر اسلامی، ۲۰(۵۲)، ۹۳۷-۹۵۵.



dorl.net/dor/20.1001.1.*

***** ** ** ** **/



dx.doi.org/10.22034/IAS

۲۰۲۲.۳۶۹۴۹۴.۲۰۹۲

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری/ پایان نامه "پروانه بادینلو" با عنوان "تجلی آیات و احادیث در شعر دوره تیموری" است که به راهنمایی دکتر عبدالرضا مدرسزاده، و مشاوره دکتر "اصغر دادبه" در سال ۱۴۰۲ در دانشگاه "آزاد اسلامی" واحد "کاشان" ارائه شده است.



مقدمه

هنر و ادبیات دوره تیموری، به‌عنوان یکی از درخشان‌ترین ادوار تمدن اسلامی، تجلی‌گاه پیوند ناگسستنی میان مضامین قرآنی و جلوه‌های زیبایی‌شناختی بود. در این عصر، کلام وحی نه‌تنها جان‌مایه اصلی سروده‌های شاعران شد، بلکه در کالبد معماری و تزیینات باشکوه بناها نیز جریان یافت و فضایی معنوی پدید آورد. شاعران مسلمان همواره آیات قرآن را چراغ راه اندیشه و محمل تعالی کلام خویش قرار داده‌اند؛ چرا که این کتاب آسمانی، والاترین سرچشمه الهام برای بازتاب باورهای دینی و عمق بخشیدن به مضامین شعری محسوب می‌شده است. از همان نخستین روزهای سرایش شعر فارسی، ردپای قرآن در آثار شاعران مشهود بود، هرچند در سده‌های سوم و چهار قمری، به دلیل غلبه مضامین مدحی و عاشقانه، این تأثیرپذیری چندان گسترده نبود. با این حال، به تدریج و همگام با رشد بینش اسلامی در میان شاعران، استفاده از آیات و احادیث در شعر فارسی اوج گرفت و در دوره‌هایی مانند عصر تیموری به کمال خود رسید. در این برهه تاریخی، هنر معماری نیز هم‌سو با شعر، به خدمت بیان مفاهیم قرآنی درآمد. کتیبه‌های مساجد و مدارس، با خطوط کوفی، ثلث و نسخ، و با بهره‌گیری از کاشی‌های معرق فیروزه‌ای و لاجوردی، آیات قرآن را نه‌تنها به‌عنوان متنی مقدس، بلکه به‌مثابه عنصری تزیینی و نمادین در معرض دید همگان قرار داد. این هم‌زیستی هنر کتیبه‌نگاری و شعر، نشان‌دهنده زبانی مشترک بود که هر دو برخاسته از جهان‌بینی قرآنی و عرفانی حاکم بر جامعه آن روزگار بودند؛ بنابراین، بررسی تجلی آیات قرآن در شعر دوره تیموری، بدون توجه به بستر هنری و معماری هم‌عصر آن، ناقص خواهد بود. این پژوهش در پی آن است تا با نگاهی بینارشته‌ای، شیوه‌های اثرپذیری شاعران بزرگی چون خواجوی کرمانی، اهلی شیرازی و هلالی جغتایی از قرآن کریم را تحلیل کند و در کنار آن، نشان دهد که چگونه همان مضامین در قالب کتیبه‌های معماری این دوره - از جمله در مجموعه‌های بزرگی مانند مسجد گوهرشاد و مسجد بی‌بی خانم - تجسم یافته‌اند. چنین پژوهشی نه‌تنها گواهی بر نفوذ عمیق قرآن در تمامی لایه‌های فرهنگی و هنری عصر تیموری است، بلکه درک ما را از پیوند ناگسستنی هنر و ادبیات در تمدن اسلامی ژرفا می‌بخشد. روش این تحقیق، توصیفی - تحلیلی و مبتنی بر مطالعه کتابخانه‌ای دیوان شاعران و نیز منابع مرتبط با هنر و معماری دوران تیموری است. امید که نتایج این تحقیق، افق‌های تازه‌ای در شناخت هرچه بیشتر تعامل میان متون مقدس، ادبیات و هنرهای تجسمی در ایران دوره اسلامی بگشاید.

پیشینه پژوهش

حسب اطلاع نگارنده تاکنون پژوهشی در خصوص تأثیرپذیری شاعران دوره تیموری از قرآن کریم پژوهشی صورت نگرفته است. اما پژوهش‌های صورت‌گرفته در خصوص اشعار برخی شاعران به ترتیب زمانی به شرح زیر است:

ذوالفقاری و امیدعلی (۱۳۹۶) به تحلیل کارکردهای آیات قرآن در اشعار شاه نعمت‌الله ولی پرداختند، آنها بیان می‌کنند شاه نعمت‌الله ولی یکی از شاعران و عارفانی است که درخت تنومند شعر او ریشه در قرآن و آموزه‌های دینی دارد و این شاعر عارف متناسب با روحيات و اهداف تعلیمی خود از قرآن در اشعارش استفاده کرده است. کاربرد آیات،

اهداف و کارکردهای زیادی در اشعار نعمت‌الله ولی دارد که مهم‌ترین آنها عبارت است از: کارکردهای بلاغی (که شاعر به‌وسیله آیات قرآن سعی در هر چه زیباتر ساختن شعر خود و افزایش بلاغت آن نموده است)، کارکرد دیگر آیات قرآن در شعر این چهره ممتاز عرفان و تصوف، ذکر تفاسیر بدیع و شخصی از آیات قرآن است که بسیار هم مورد استقبال مریدانش قرار می‌گرفت. از دیگر کارکردهای آیات قرآن در شعر این عارف بزرگ، آوردن استشهاد و استنادات قرآنی برای تأیید مطالب عرفانی، تعلیمی و اخلاقی است تا از این طریق مخاطبان خود را بیشتر و بهتر اقناع کند.

واثقی خوندایی، ملک ثابت و کهدویی (۱۳۹۶) به بررسی بازتاب تأویل‌های قرآنی مثنوی مولوی در مثنوی‌های سلطان‌ولد پرداختند، بر اساس نتایج این پژوهش، مولانا و به تاسی از او سلطان‌ولد کلام خود را تفسیر قرآن می‌دانند و معتقدند که گفتار اولیای فانی مانند وحی راهگشای انسان‌هاست؛ پس مفسر قرآن اولیای الهی هستند، نه سخرگان هوس. در نظرگاه آنها قرآن لایه‌های معنایی متعددی دارد و تکیه بر ظاهر قرآن به‌هیچ‌روی شایسته مردان الهی نیست. مولانا بر آن است که اولیای واصل فقط تا بطن سوم قرآن را درک می‌کنند، لیکن سلطان‌ولد معتقد است افراد روحانی تا بطن سوم را درک می‌کنند و درک لایه‌های معنایی دیگر در انحصار اولیای معشوق است.

رجبی کاریزکی، عبدی و عابدپور (۱۳۹۵) به بررسی کلام پروردگار در اشعار قاسم انوار (تجلی قرآن در اشعار قاسم انوار) پرداختند، در این پژوهش صفاتی اخلاقی که در قرآن و دیوان اشعار قاسم انوار به‌صورت مشترک استفاده شده بود بررسی شد و از میان صفات اخلاقی فراوان رایج‌ترین آنها را که عبارت‌اند از: توصیف ذات باری‌تعالی، بی‌اعتباری دنیا، امیدواری، امانت‌داری، ادب، بخشش، مذمت تکبر و غرور، تسلیم و رضا، خوش‌خویی، گذران بودن دنیا، راه راست (صراط مستقیم)، صبر و بردباری، عیب‌جویی، مرگ، پرهیز از هوای نفس، غفلت، یاد خدا، قناعت را مورد بررسی قرار دادیم. ذکر این صفات این‌گونه است که نخست بیت یا ابیاتی از دیوان اشعار قاسم انوار را به‌صورت نمونه انتخاب کردند و سپس آیه یا آیه‌هایی را که در قرآن با آن بیت پیوند دارد را به‌عنوان موید مطلب اشاره کردند. قاسم انوار نیز مانند سایر شاعران و عارفان ایران‌زمین هدایت انسان‌ها را از طریق اشعارش که در دیوان او جمع‌آوری شده بر عهده گرفته است. دیوان او مملو از بیت‌هایی است مبنی بر خصایص پسندیده و صفات پست و همچنین پر است از مسائل غنی حکمی و تعلیمی تا مخاطبان آن را دست‌مایه سعادت ابدی خود قرار داه و در مسیر درست زندگی حرکت کنند.

آیتی (۱۳۹۵) به ارزیابی سروده‌های مذهبی شاعران برجسته شیعه در سده نهم هجری پرداخته، در این مقاله سعی بر آن شده تا وضع شعر مذهبی شاعران برجسته شیعه در سده نهم هجری قمری مورد بررسی قرار گیرد، و در ادامه نیز به دلیل رواج چشمگیر عرفان و تصوف اهمیت و تأثیر آن در افکار مذهبی شاعران این دوره، بحثی مبسوط درباره عرفان و تصوف این دوره صورت‌گرفته است، اما منظور از اشعار مذهبی چیست؟ اشعار مذهبی شعرهایی هستند که درباره معصومین (علیهم‌السلام) سروده شده‌اند، در واقع پیش از این قرن هم اشعار مذهبی فراوانی سروده شده است؛ اما باید توجه داشت که این اشعار عمدتاً از سوی شاعران سنی مذهب سروده شده و نیز

بیشتر درباره پیامبر (ص) و خلفای راشدین و حضرت علی (ع) است و می‌توان گفت که از قرن نهم است که شاعران شیعه به طور گسترده و ویژه به مدح و منقبت اهل بیت پرداخته و در سوگ حادثه عظیم عاشورا، به مرثیه سرایی می‌پردازند، این رونق و شکفتگی در سرودن اشعار مذهبی توسط شاعران شیعه مذهب باعث ایجاد روندی مؤثر در تاریخ ادبیات مذهبی ایران گردید که تا به امروز هم ادامه دارد.

خدادادی (۱۳۹۴) به بررسی تأویلات عرفانی در آثار جامی براساس نظریه تجلی در عرفان نظری پرداخته است. تأویلات جامی از آیات قرآن و احداث نبوی، بسیار قابل توجه است. وی در توضیح معانی باطنی آیات و روایات از ژرف‌ترین اندیشه‌های عرفان نظری، سود برده است. نمود این مسئله در تأویلات قرآنی او شامل: تأویل جنت به ذات، ارض به حقایق اعیان، سماوات به اسماً و صفات و نجم به انوار منعکسه از حقیقت محمدی است. و فور اصطلاحات مربوط به عرفان نظری، نشان دهنده تسلط جامی بر این علم ژرف و عمیق است.

چارچوب نظری

سیمای فرهنگی، اجتماعی ایران در عصر تیموری

اگر چه وجه اشتراک چنگیز و تیمور در این بود که هر دوی آنها قتال و بی‌رحم بودند و از کشتارهای بزرگ وحشیانه ابا و امتناعی نداشتند؛ ولی نقاط افتراق فراوانی با هم داشتند. یکی از تفاوت‌های آن‌ها این بود که چنگیز مانند یک میرغضب بی‌عاطفه در کشتار انسان‌ها بین بزرگ و کوچک، فقیر و غنی، مسلمان و کافر و مرد و زن فرقی نمی‌گذاشت، اما تیمور با توجه به ضرورت و موقعیت، دستور قتل عام و غارت اموال را صادر می‌کرد. چنگیز تنها ویران می‌کرد و هیچ ناحیه‌ای را آباد نمی‌ساخت، و حال آنکه تیمور در عین اینکه عنصری مخرب بود، بناهای باشکوه و کاخ‌های با عظمت به وجود آورد و قنات‌ها و مجاری آب بسیاری را تعمیر کرد و به دستور او بسیاری از زمین‌های بایر به مرغزار و جنگل‌های سرسبز تبدیل شدند (میرجعفری، ۱۳۸۰: ۷۵). البته تفاوت آن‌ها در همین جا پایان نمی‌پذیرد؛ عمده تفاوت تیمور با چنگیز در این بود که فاتح گورکانی به نیروی انسانی توجه بسیار می‌نمود بدین معنا که وی افراد کارآمد به ویژه صاحبان حرفه و هنر را در محیط قلمرو خویش یعنی سمرقند گردآوری کرد و از آنها در راستای رشد و تحول سرزمینش بهره جست. بنابراین تیمور سیاستی سه بعدی در نظر گرفته بود که می‌توان آن را در کامیابی‌های سیاسی - نظامی، سیادت و ثروت امپراتوری، تعالی و تنظیم نیروی انسانی خلاصه کرد (آژند، ۱۳۸۷: ۲۳۴). همین کوشش‌های تیمور بود که زمینه را برای ظهور مکتب هنری هرات فراهم آورد. اوایل عهد تیمور، از وجود چند شاعر و نویسنده‌ی بزرگ برخوردار بود و بعد از آن شاعران و نویسندگان متوسطی در ایران به سر می‌بردند که حافظ به طور استثنا در زمره‌ی شعرای درجه اول ایران و از نوابغ بزرگ شعر است که در آخر این عهد می‌زیست. حافظ که اواخر حیات او مصادف با اوایل عهد تیموری بود غزل‌هایش از بهترین نمونه‌های سخن فارسی و از عالی‌ترین علو فکر و طبع نژاد ایرانی است که حتی در تاریک‌ترین ادوار هم از نورافشانی بازمانده است (صفا، ۱۳۸۹: ۵۹).

توجه به علم و ادب و هنر از سوی شاهزادگان تیموری، گویی جزو فطرت و خوی طبیعی آنان بود که شاید بتوان آن را از ویژگی‌های ممتاز این عصر به نسبت ادوار دیگر دانست. در این دوره کمتر شاهزاده‌ای را می‌بینیم که یا خود شعر نگفته یا به شعر دیگران اقبالی نداشته است. در خاندان‌های سلطنت و امارت، پارسی‌گویان فراوانی دیده می‌شوند. این مطلب با مطالعه تذکره‌های اواخر عهد تیموری و اوایل دوره صفوی به دست می‌آید. از جمله در مجلس هفتم از کتاب مجالس النفائس نام شانزده نفر از سلاطین و شاهزادگان تیموری همراه با شواهد شعری آنان آمده در تذکره‌های دیگر نظیر تحفه سامی و روضه السلاطین و تذکره دولت‌شاه نیز نام شاهان و شاهزادگان تیموری ذکر شده است (علیشیر نوایی، ۱۳۷۵: ۱۲۳-۱۳۰). ادبیات فارسی در این دوره نه تنها تحت تأثیر تحولاتی از این نوع قرار گرفت؛ بلکه عواملی سبب تباهی زبان فارسی شد. پیش از تهاجم مغول، در نظم و نثر فارسی قواعد و قراردادهایی دقیق موجود بود و شاعر یا نویسنده مجبور بود، شماری از قواعد و نمونه‌های ادبیات عرب و فارسی را یاد بگیرد که این امر سبب وسعت دامنه افق ادبی وی می‌شد. در دوره مورد بحث و با بسته شدن مراکز عمده ادب فارسی در خراسان و عراق و از میان رفتن استادان زبان و ادب فارسی و ضعف معلومات اکثر شعرا و نویسندگان بخصوص در زبان عربی و افتادن کار شعر و نثر به دست کسانی که از قریحه هنری متوسطی برخوردار بودند، از عوامل انحطاط ادبی و سیر قهقرایی آن در دوره تیموری شد (دانشگاه کمبریج، ۱۳۷۹: ۴۱۷-۴۱۶).

در این دوره علم و دانش رونق گرفت و مدارس و مراکز متعددی برای تعلیم و تعلم ساخته شد. این مدارس را یا شاهزادگان و سلاطین بنا می‌کردند و یا امرا و رجال آنها. از جمله آنها می‌توان مدرسه گوهرشاد مشهد، مدرسه بیگمیه در هرات و مدرسه ملک آغا در بلخ را نام برد (پارشاطر، ۱۳۹۰: ۲۵). از نکات درخور توجه شعر و شاعری این دوره آشنایی شعرا با غالب فنون هنر است؛ و علت «جامعیت هنری شعرا» شیوع فنون و هنر و توجه خاص شاهزادگان و امرای تیموری بدان است. شاعران متعددی در این عهد در فنون نقاشی و خط و موسیقی استاد بوده‌اند (پارشاطر، ۱۳۹۰، ۹۲).

عناصر تزیینی معماری دوره تیموری

راه یافتن عناصر تزیینی در هنر معماری، اگرچه قبل از دوره تیموریان آغاز شده بود، هم‌زمان با حکومت تیموریان، عظمت و سترگ‌نمایی در معماری و نیز غنای تزیینات وابسته به آن به شکوه بی‌سابقه‌ای دست یافت. سطوح سترگ و عظیم با روکش‌هایی از کاشی‌های لعابی معرق اغلب به رنگ‌های فیروزه‌ای و آبی سیر و همراه با قطعات کتیبه‌های سفید تزیین یافت. کاشی‌های آبی و سفید در خصوص نقش‌مایه‌هایی آرایه‌ای ملهم از خط کوفی به کار رفت و سطوح مسطح، ستون‌های مدور و زاویه‌ای، طاقچه‌ها، مقرنس‌ها و درون گنبد با تزیین ماهرانه و عمیقی از اسلیمی‌های معرق پوشیده شد. نقش‌مایه‌ها بارها تکرار می‌گشت و اغلب طرح‌ها درون قاب‌های چند پره و یا قاب‌های کتیبه‌ای قرار می‌گرفت. اولین نمونه‌های چنین تزییناتی را در مجموعه بناهای شاه زنده در سمرقند می‌توان مشاهده کرد. مهم‌ترین کمک تیموریان در عالم معماری در تزیین ساختمان‌ها بود. گرچه از نظر زمانی، عنصر تزیینی معماری اسلامی به سنت

ماقبل تیموری تعلق داشت، ولی هرگز به اهمیت و برجستگی این چینی دست نیافته بود. بیشتر بناها به صورت چهارایوانی با ایوان‌های بلند و سردرهای مزین به مقرنس‌کاری‌های بسیار زیبا است و تزیین‌ها، به طور عمده شامل کاشی‌کاری‌های زیبا و باشکوه، معرق و هفت‌رنگ است. گنبد‌های پیازی‌شکل و شیاردار، از ویژگی‌های بناهای خاص دوره تیموریان است. معماری این دوره، کمال کاربردی رنگ در معماری است که نمونه‌های آن را می‌توان در کتیبه‌های کوفی، ثلث و نسخ به رنگ طلایی و در زمینه کاشی‌های آبی مشاهده کرد. " (جمشیدی کوهساری، ۱۳۸۹:۹۸) معماری دوره تیموری به لحاظ کاربرد رنگ، از نظر فنی و تنوع حیرت‌آور طرح و بافت در اوج خود است. (هیلن برند، ۱۳۸۶:۲۱۳) " از نظر تزیین بناها، این دوره از ادوار مهم اسلامی است. شیوه معماری، از نقشه‌ها و طرح‌های متداول آن زمان بهره بردند. از نظر تزیین بناها، این دوره از ادوار مهم اسلامی است. شیوه تزیین با کاشی معرق در عهد تیموری، نشانگر آن است که هنرمندان این دوره در شیوه تزیینی به حد اعلای مهارت، دست یافته بودند؛ به طوری که در کمتر دوره‌ای، این چنین تزیین کاری مشاهده شده است. " (جمشیدی کوهساری، ۱۳۸۹:۱۰۳) " مساجدی مانند گوهرشاد مشهد، کبود تبریز، مدرسه خرگرد خراسان، مسجد جامع تیمور در سمرقند و همچنین بناهای ساخته شده در بخارا و هرات، نشان‌دهنده برجستگی هنر کاشی‌کاری و کاربرد آن در بناهای مذهبی است. " (کیانی، ۱۳۷۷:۵۷) مساجد دوره تیموری به سبک چهارایوانی و دارای فضای باز و وسیع در داخل بودند. استفاده از کاشی در داخل مساجد یکنواختی و زیبایی خاصی به آنها داده است که مسجد جامع تیموری (بی‌بی خانم) در سمرقند بهترین نمونه آن است. از دیگر مساجد باشکوه دوره تیموری باید از مسجد گوهرشاد نام برد که بهترین و باشکوه‌ترین مسجد در عصر خود بود.

تأثیر قرآن کریم در شعر فارسی

فراگیری قرآن کریم که برخاسته از اعجاز این کتاب آسمانی است، به‌رغم نکوهشی که از شعر و برخی شاعران می‌شود، اهل شعر و ادب را به تأثیرپذیری از قرآن کریم فراخوانده است.

شاعران ایرانی با اثرپذیری از سرچشمه زلال قرآن کریم، آثاری جاودانه در نظم و نثر آفریده‌اند. تجلی تعالیم و الفاظ قرآنی در سروده‌های پارسی قبل از سده سوم، پیشینه بهره‌گیری و اثرپذیری سخنوران پارسی از قرآن و چندان آشکار نیست «حدیث به آغاز پیدایی و پاگیری شعر فارسی یعنی نیمه‌های سده سوم می‌رسد» (راستگو، ۱۳۷۶: ۷). با گذشت زمان و بالندگی شعر فارسی و با آمدن شاعرانی که در قرآن و معارف اسلامی تبحر داشتند، آموزه‌های قرآنی در شعر فارسی گسترش روزافزون یافت و به اوج خود رسید. به‌گونه‌ای که «استفاده از آیات قرآن در ضمن کلام، از بارزترین تغییرات سبکی به شمار می‌آید که به صورت مختلف، از اوایل قرن پنجم به بعد متداول شد» (شمیسا، ۱۳۸۲: ۷۷). در کتاب‌های قدیمی و در میان نقاد قدیم، اثرپذیری از قرآن کریم و یا دیگر متون پیشین با اصطلاحات گوناگونی بیان شده است مانند: تضمین، تحلیل، اقتباس، درج، و تلمیح (خرمشاهی، ۱۳۸۱: ۱۷۱۸) «اقتباس آن است که کلام چیزی از قرآن یا حدیث در بر داشته باشد» (حلبی، ۱۳۸۹: ۳۲۳). یا تضمین که ابن اثیر آن را این‌گونه تعریف کرده است

«این که شاعر یا ادیب، شعر یا نثر خویش را با کلامی از دیگری به قصد کمک به تأکید معنای موردنظر خویش به کار گیرد» (ابن اثیر، ۱۹۹۵: ۲۰۳).

تلمیح نیز یکی دیگر از این اصطلاحات به حساب می‌آید «تلمیح مصدر باب تفعیل به تقدیم لام از لمح به معنی نظر کردن، عبارت است از آن که متکلم در کلام اشاره کند به قصه معروفی یا شعر مشهوری یا مثل سائری» (هاشمی خراسانی، ۱۳۷۲، ج ۹: ۲۴۵). یا «تلمیح آن است که به مناسبت کلام به داستان یا آیه یا حدیث یا شعری اشاره شود. لازمه دریافت معنی و زیبایی تلمیح، آشنایی قبلی با آن داستان یا مثل یا آیه یا شعر است» (وحیدبان کامیار، ۱۳۸۵: ۶۶). نیز (شمیسا، ۱۳۸۶: ۹) جز اینها قرآن معیار فصاحت و بلاغت است و شاعران و نویسندگان ما با استفاده از آیه‌ها و حدیث‌ها، هم، توانایی خود را در کاربرد لفظ‌ها، عبارت‌ها و مضمون‌های دینی نشان می‌دهند و هم با استشهاد از آن، تأثیر سخن خویش را افزونی می‌بخشند؛ زیرا در همه موارد این استشهادها و تضمین‌ها اگر قانع‌کننده نباشد ساکت‌کننده است. (راشل محصل، ۱۳۸۹: ۲۰)

شعر در قرآن

چنان‌که دیدیم اسلام به «شعر» اهمیت می‌دهد و پیامبر اسلام شعرای متعهد را ارج می‌نهد است، باین حال خداوند متعال در قرآن مجید با صراحت تمام صفت «شاعر» بودن را از پیامبر نفی فرموده است. چنان‌که «شعر نبودن» قرآن مجید را تصریح نموده است.

۱. «وَ الشُّعْرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ. أَلَمْ تَرَ أَنَّهُمْ فِي كُلِّ وَادٍ يَهِيمُونَ. وَ إِنَّهُمْ يَقُولُونَ مَا لَا يَفْعَلُونَ. إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ ذَكَرُوا اللَّهَ كَثِيرًا وَ انْتَصَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا وَ سَيَلِمَ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَى مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ». (شعراء / ۲۲۷ - ۲۲۴).

۲. «وَ مَا عَلَّمْنَاهُ الشُّعْرَ وَ مَا يَنْبَغِي لَهُ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ وَ قُرْآنٌ مُبِينٌ». (یس / ۶۹)

۳. «وَ يَقُولُونَ أَأَنَّا لَتَارِكُوا آلِهَتَنَا لَشَاعِرٍ مَجْنُونٍ» (صافات / ۳۶)

۴. «أَمْ يَقُولُونَ شَاعِرٌ نَتَرَبَّصُ بِهِ رَيْبَ الْمَنُونِ. قُلْ تَرَبَّصُوا فَإِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُتَرَبِّصِينَ» (طور / ۳۱ و ۳۰)

۵. «إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ. وَ مَا هُوَ يَقُولُ شَاعِرٌ قَلِيلًا مَا تُؤْمِنُونَ» (حاقه / ۴۲ و ۴۱)

شیوه‌های اثرپذیری خواجه‌ی کرمانی از قرآن و احادیث

خواجه‌ی کرمانی به دلیل آشنایی و نزدیکی‌ای که با کلام وحی و روایات اسلامی داشته، برداشت‌های مختلفی از این انوار الهی ارائه می‌دهد. این برداشت‌ها گاهی در سطح بیان مفاهیم و مضامین قرآنی است و گاهی نیز در سطح واژه و لفظ آیه قرآنی و احادیث.

اثرپذیری واژه‌ای

در این شیوه شاعر پاره‌ای از واژه‌ها و ترکیبات را از قرآن می‌گیرد و در شعر خود استفاده می‌کند. این تأثیرپذیری در سه سطح وام‌گیری، ترجمه، و برآیندسازی صورت می‌پذیرد. بررسی اشعار خواجه نشان می‌دهد که خواجه در دیوان خود بیشتر تحت تأثیر الفاظ قرآن بوده است و کاربرد احادیث در آن اندک و محدود است. در اشعار خواجه موارد انبوهی به چشم می‌آید که شاعر کلمه یا ترکیب را به همان شکل که در قرآن یا روایات آمده، در اشعار خود به کار برده است. نمونه‌هایی که در ذیل آورده می‌شود، مصداق‌هایی از تأثیرپذیری واژه‌ای‌اند.

وام‌گیری

پرسیدم از خرد که چه قومند و حال چیست کاینان نهاده‌اند در این روضه آشیان

(خواجهی کرمانی، ۱۳۷۴: ۱۲۳)

واژه «روضه» که شاعر در بیت بالا آورده واژه‌ای قرآنی است که از آیه ۱۵ سوره روم وام‌گرفته است: «فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَهُمْ فِي رَوْضَةٍ يُحْبَرُونَ: اما کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، آنان را در بوستانی مسرور و شادمان می‌دارند.»

بستند بر افق ز شفق لاله تتق کردند دهر را ز غسق عنبری دثار

(همان: ۷۳)

در این بیت لفظ «غسق» از آیه ۷۸ سوره اسرا وام‌گرفته شده است: «أَقِمِ الصَّلَاةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ وَقُرْآنَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا: نماز را وقت زوال آفتاب تا اول تاریکی شب به پا دار و نماز صبح را نیز به جای آر که آن نماز به حقیقت مشهود است.»

برآیندسازی

خواجه اگرش تیغ‌زنی روی نیچد زیرا که تو سلطانی و او ملک یمین است

(خواجهی کرمانی، ۱۳۷۴: ۲۲۲)

«ملک یمین» بر ساخته و برآیندی از آیه ۳ سوره نسا است: «وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ كِتَابَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ: و نکاح زنان شوهردار نیز مگر آن زنانی که متصرف شده‌اید. این حکم خدا بر شماست.» «ملک یمین» در قرآن به معنای آنچه مالک آنید یا کنیزی که از آن شماست به کار اس. به آیه فوق و آیه ۶ سوره مومنون و آیه ۳۰ سوره معارج «ملک یمین» گفته می‌شود.

قره‌العین سپهری کآفتابش می‌نهند چشم عالم‌بین ز گرد نعل گلگونت ضریر

(همان: ۶۲)

«قره‌العین» تعبیری قرآنی است که در آیه ۹ سوره قصص آمده و در آن از زبان همسر فرعون گفته می‌شود تا فرعون از کشتن موسی چشم پوشد: «وَقَالَتِ امْرَأَتُ فِرْعَوْنَ قَرَّتْ عَيْنٌ لِي وَلَكَّ لَا تَقْتُلُوهُ. ...: و زن فرعون گفت: این کودک نور دیده من و توست، او را مکشید.»

اثرپذیری گزاره‌ای

خواجوی کرمانی حافظ قرآن بوده و کاملاً با قرآن و روایات آشنایی و الفت داشته است؛ بنابراین بدیهی است که از این آشنایی بهره برده و آیات و روایات را به شیوه‌های گوناگون در شعر خود به کار برد. از جمله بیشترین استفاده‌های خواجو از قرآن و روایات استفاده به اشکال اقتباس و تضمین و حل است. در زیر به برخی از این نمونه‌هایی اشاره می‌شود.

اقتباس و تضمین

در شعر خواجو گاه آیه و حدیث به طور کامل و عیناً تجلی پیدا می‌کند، گاه کلمات کلیدی این آیات در شعر او راه می‌یابد و گاهی نیز به‌ضرورت وزن و قافیه تغییراتی در آنها داده می‌شود.

بر صفحهٔ رویم آب دیده «وَالنَّجْمِ إِذَا هَوَى» نوشته

(همان: ۱۴۸)

بر حاشیهٔ بیاض رویت «وَاللَّيْلِ إِذَا سَجَى» نوشته

(همان)

در ابیات بالا آیات یک سوره نجم: «وَالنَّجْمِ إِذَا هَوَى: قسم به ستاره چون فرود آید.» و آیه ۲ سوره الضحی: «وَاللَّيْلِ إِذَا سَجَى: سوگند به شب چون آرام گیرد.» به‌صورت کامل اقتباس شده است.

آیت کل من علی‌ها فان بر سه فرزند و چار مادر خوان

(همان: ۱۶۶)

خواجو در بیت فوق آیه ۲۶ سوره الرحمن را تضمین کرده است: «كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ: هر که روی زمین است دستخوش مرگ و فناست.»

مه طلعتی که بر قد قدرش بریده‌اند دیبای قم فانذر و استبرق دنی

(خواجوی کرمانی، ۱۳۷۴: ۵۷۰)

شاعر در بیت بالا آیه یک سوره مدثر را تضمین کرده است: «يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ قُمْ فَأَنْذِرْ: ای رسولی که خود را به لباس در پیچیده‌ای اندرز بده.»

حل

الشمس الضحیٰ ام حدود الكواعب ابدر الدجی او وجوه الحبائب

(خواجوی کرمانی، ۱۳۷۴: ۳۳)

در بیت بالا شاعر در آیه یک سوره شمس تغییراتی داده و سپس آن را در شعر خود گنجانده است: «وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا: قسم به روز روشن.»

بسم من لا اله الا هو صنع لفظی و زین معناه

(همان: ۱۰۱)

شاعر در بیت بالا «بسم الله الرحمن الرحيم» و آیه ۸ سوره طه: «الله لا اله الا هو له الاسماء الحسنی.» را به شیوه حل به کار برده است.

اثرپذیری چندسویه

یکی از تمایزات اشعار خواجو نسبت به دیگر شاعران این است که او در یک بیت شعر ممکن است به بیشتر از یک آیه التفات کند و یا همزمان از چند شیوه از آیات و احادیث بهره گیرد.

سالک دل یافته نکهت روح القدس چون نبی یثربی بوی او پس قرن

(خواجوی کرمانی، ۱۳۷۴: ۱۱۴)

بیت تلمیح دارد به حدیث نبوی که فرمودند: «إِنِّي لَأَجِدُ الرَّحْمَانَ مِنْ جَانِبِ الْيَمَنِ: من بوی خداوند رحمان را از سوی یمن دریافتم.» همچنین واژه «روح القدس» را به شیوه وام‌گیری از قرآن گرفته است: «قُلْ نَزَّلَهُ رُوحُ الْقُدُسِ مِنْ رَبِّكَ بِالْحَقِّ لِيُثَبِّتَ الَّذِينَ آمَنُوا وَهُدًى وَبُشْرَى لِلْمُسْلِمِينَ (نحل / ۱۰۲): بگو که این آیات را روح القدس از جانب پروردگارت به حقیقت و راستی نازل کرده تا اهل ایمان را ثابت‌قدم گرداند و برای مسلمین هدایت و بشارت باشد.»

هستی امر کن فکان مقصد حرف کاف و نون برق رو براق ران خاکی عرش متکا

(همان: ۲۵)

بیت بالا ضمن اقتباس بخشی از آیه ۸۲ سوره یس: «أَنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» به داستان معراج پیامبر گرامی اسلام (ص) نیز تلمیح دارد.

شیوه‌های اثرپذیری اهلی شیرازی از آیات و احادیث

اثرپذیری واژه‌ای

اهلی شیرازی از واژگان و ترکیبات قرآنی بسیار بهره گرفته است. وجود فراوان واژه‌ای چون نور، تجلی، معراج و ... در ابیات او، نشان از تأثیرپذیری واژه‌ای وسیع شاعر از قرآن کریم و روایات دارد. اهلی در سطح واژه‌ای از شیوه‌های وام‌گیری و برآیندسازی از قرآن و احادیث تأثیر پذیرفته است.

وام‌گیری

اهلی در برخی از ابیات خود، واژه‌های قرآنی را بدون تغییر و کم‌وکاست به کار برده است. از جمله این واژه‌ها می‌توان به نمونه‌های زیر اشاره کرد.

«شفاءالناس» ترکیبی قرآنی است که در آیه ۶۹ سوره نحل آمده و اهلی بدون تغییر از آن در شعر خود استفاده کرده است: «ثُمَّ كَلِيَ مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ فَاسْأَلِكِ سُبُلَ رَبِّكِ ذُلُلًا يَخْرُجُ مِنْ بَطُونِهَا شَرَابٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» و سپس از انواع میوه‌های شیرین تغذیه کن و راه پروردگارت را به اطاعت ببوی، آنگاه از درون آن، شربت شیرینی به رنگ‌های مختلف بیرون آید که در آن شفاء مردمان است. در این کار نیز آیتی برای متفکران پیداست. «

به شهد حکمت او از پی شفاءالناس طیب نحل برد مرهم شفایی را

(اهلی، ۱۳۶۹: ۴۱۲)

عبارت «صراط المستقیم» که در بیت زیر از قصاید مشهور اهلی به کاررفته، اصلاحی قرآنی است که بارها در قرآن کریم آمده است؛ از جمله در آیه ۶ سوره فاتحه: «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ: ما را به راه راست هدایت فرما.»

راستان را راه عشق آمد صراط المستقیم پای لغز ما بود از عقل ناهموار ما

(همان: ۱)

برآیندسازی

در شعر اهلی از این شیوه بسیار استفاده شده است. به‌عنوان نمونه در ابیات زیر:

اهلی شیرازی عبارت از «غیب آواز آمدن» به مفهوم «جبرئیل» را در بیت زیر به شیوه برآیندسازی به کار برده است. جبرئیل از فرشتگان مقرب الهی و آورنده وحی است و نام آن در سه آیه از قرآن و در روایات متعددی آمده است؛ از جمله آیه ۹۷ سوره بقره: «قُلْ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِجِبْرِيلَ...: بگو هر کس با جبرئیل دشمن است. ...»

به گوش هوشش از غیب آمد آواز که روشن شد چراغ دیده‌ات باز

(اهلی، ۱۳۶۹: ۵۹۹)

عبارت «معجز مسیح» در بیت زیر نیز ترجمه و برآیندی از آیات ۸۷ و ۲۵۳ سوره بقره است. با کمی تسامح می‌توان گفت اهلی عبارت «معجز مسیح» را بر اساس آیات ذکر شده ترجمه کرده و سپس در زبان شعری خود استفاده کرده است.

من کشته توام چه کنم معجز مسیح حرفی بگو که یک سخنم ز آن دهن بس است

(همان: ۷۷)

اثرپذیری گزاره‌ای

یکی از پرکاربردترین شیوه‌های تأثیرپذیری اهلی شیرازی از آیات و احادیث، اثرپذیری گزاره‌ای است. اهلی به اشکال اقتباس، تضمین و حل، آیات و احادیث را در شعر خود گنجانده است. برای نمونه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

اقتباس و تضمین

در بخش رباعیات دیوان اهلی چنین آمده است:

آدم که به عشق کسی یار بود در أحسن تقویم سزاوار بود

هرگه که به شهوت آید زعشق نرو در اسفل سافلین گرفتار بود

(اهلی، ۱۳۶۹: ۷۲۵)

ترکیبات «أحسن تقویم» و «اسفل سافلین» اقتباس از آیات ۴ و ۵ سوره مبارکه «التین» است: «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ. ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ: به‌راستی که انسان را در بهترین شکل و اعتدال آفریدیم. آنگاه او را به پست‌ترین مرتبه‌ها برگرداندیم.»

در جایی دیگر شاعر در قطعه‌ای که در ذکر مصیبت امام حسین (ع) سروده، آورده است:

وقت دعا طمع نکنم کای فلک مرا سیر از نعیم خلد به نعم الثواب کن

(همان: ۴۹۸)

ترکیب «نعم الثواب» اقتباس شده از آیه ۳۱ سوره کهف است: «أُولَئِكَ لَهُمْ جَنَّاتُ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ يُحَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَيَلْبَسُونَ ثِيَابًا خُضْرًا مِنْ سُنْدُسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ مُتَّكِنِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرَائِكِ نِعْمَ الثَّوَابُ وَحَسُنَتْ مُرْتَفَقًا: آنها را در بهشت‌های عدن که نه‌ها زیر درختانش جاری است، خاص آنهاست. درحالی که آنان را در آن بهشت به دستبندها و زیورهای زرین بپارایند و لباس‌های سبز حریر و دیبا درپوشاند و بر تخت‌ها تکیه زنند که آن بهشت نیکو اجری و خوش آرامگاهی است.»

اهلی به شیوه تضمین نیز از آیات قرآن بهره برده است.

در ابیات قطعه زیر، شاعر آیات ۲۱ سوره قصص و ۲۲۴ سوره «شعرا» را تضمین کرده است: «فَخَرَجَ مِنْهَا خَائِفًا يَتَرَقَّبُ قَالَ رَبِّ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (قصص / ۲۱): موسی از شهر مصر با حال ترس و نگرانی و مراقبت از دشمن بیرون رفت، گفت: بارالها مرا از شر قوم ستمکار نجات ده.» و «وَالشُّعْرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ (شعرا / ۲۲۴): و شاعران را مردم جاهل گمراه پیروی کنند.»

به شعر فخر مکن راه شاعری مسیر مگر شعار کنی در کلام حق قانون

ز سوره شعرا «رب نجنی» اهلی ز سیر شعراء يتبعهم الغاوون

(اهلی، ۱۳۶۹: ۵۵۳)

حل

در قطعه شماره ۹۰ دیوان اهلی می خوانیم:

اهلی کسی که حکمت پنهان حق نیافت دارد فغان ز غصه و از عیب آه هم

بی عسر، یسر کی بود این سنه الله است شد مایه فرح غم درویش و شاه هم

(اهلی، ۱۳۶۹: ۵۵۲)

در بیت دوم شعر فوق شاعر با آوردن «عسر یسر» از شیوه حل استفاده کرده است. عبارت «عسر یسر» برگرفته از آیات ۵ و ۶ سوره انشراح است: «فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا. إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا: پس با هر سختی البته آسانی هست.»

در ادامه همین مصراع شاعر ترکیب «سنه الله» را از آیه ۶۲ سوره احزاب اقتباس کرده است: «سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا: این سنت خدا است که در همه ادوار امم گذشته برقرار بوده و بدان که سنت خدا هرگز مبدل نخواهد شد.»

معنی کز علم الاسماء به آدم شد عیان فیض حق در هیکل پاک تو مضمهر ساخته

(همان: ۵۰۲)

در این بیت شاعر به روش حل به جای ترکیب «عَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ» که برگرفته از آیه ۳۱ سوره بقره است، ترکیب «عَلَّمَ الْأَسْمَاءَ بِآدَمَ» را به کار برده است.

(هلالی، ۱۳۷۵: ۱۹)

«شب قدر» که شاعر در بیت فوق استفاده کرده، ترجمه تحت اللفظی «لیله القدر» است که سه بار در سوره قدر آمده است: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ: ما آن را (قرآن) در شب قدر فرو فرستادیم.»

برآیندسازی

آتش موسی گرفت در کمر کوهسار شعله به گردون رساند آه دل کوه کن

(همان: ۲۰۵)

«آتش موسی» که در بیت بالا آمده در حقیقت بر ساخته و برآیندی از داستان آتشی است که موسی (ع) در کوه طور دید و از آن نکته توحید شنید. این عبارت از آیه ۲۹ سوره قصص گرفته شده است: «فَلَمَّا قَضَىٰ مُوسَى الْأَجَلَ وَسَارَ بِأَهْلِهِ آنَسَ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ نَارًا قَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا إِنِّي آنَسْتُ نَارًا لَعَلِّي آتِيكُمْ مِنْهَا بِخَبَرٍ أَوْ جَذْوَةٍ مِنَ النَّارِ لَعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ: آنگاه که موسی عهد خدمت به پایان رسانیده و با اهل بیت خود رو به دیار خویش کرد آتشی از جانب طور دید، به اهل بیت خدا گفت: شما در اینجا مکث کنید که از دور آتشی به نظرم رسید. شاید از آن خبری بیاورم یا برای گرم شدن شما شعله‌ای بگیرم.»

اثرپذیری گزاره‌ای

بررسی اشعار هلالی نشان می‌دهد که در سطح گزاره‌ای نیز هلالی از هر سه شیوه اقتباس، تضمین و حل استفاده کرده و آیات و احادیث را در شعر خود گنجانده است.

اقتباس و تضمین

قرب او از مقام «ثم دنی» قاب قوسین گشت «او ادنی»

(هلالی، ۱۳۷۵: ۲۲۱)

هلالی در بیت بالا عبارات «ثم دنی» و «او ادنی» و «قاب قوسین» را از قرآن اقتباس کرده است. این بیت اشاره دارد به اینکه در شب معراج، پیامبر، به خدا بسیار نزدیک شد. این ماجرا در آیه ۹ سوره نجم آمده است: «فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى: تا به اندازه دو کمان گشت در نزدیکی یا نزدیک‌تر.»

پیامبران به طور اعم و پیامبر اسلام (ص) به طور اخص، در نزد شاعران و نویسندگان عرب و عجم جایگاه و منزلت ویژه‌ای دارند. بدون تردید این جایگاه برگرفته از عظمت پیامبر نزد خدا و قرآن و مسلمانان است. خداوند در قرآن از حضرت محمد (ص) به بزرگی یاد کرده و او را الگوی همه انسان‌ها قرار داده و انسان را به اقتدا به رسول در همه اوصاف و افعال و اخلاق نیکو دعوت نموده است. در بیت زیر، هلالی نیز به همین جایگاه اشاره کرده و بخشی از آیه ۴ سوره قلم را اقتباس می‌کند. «وَإِنَّكَ لَعَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ: و تو اخلاق عظیم و برجسته‌ای داری.»

نکورویی طریق مستقیمست محمد صاحب «خلق عظیمست»

(هلالی، ۱۳۷۵: ۲۸۹)

در بیت زیر نیز هلالی بخشی از حدیث نبوی: «مَا عَرَفْنَاكَ حَقَّ مَعْرِفَتِكَ وَ مَا عَبَدْنَاكَ حَقَّ عِبَادَتِكَ: ما آن گونه که حق توست ترا نشناختیم و آن گونه که حق توست ترا عبادت نکردیم.» (بحارالانوار، ج ۸ باب شکر) را اقتباس کرده است.

دلش از معرفت بر اوج افلاک زبانش در مقام ما عرفناک

(هلالی، ۱۳۷۵: ۲۷۹)

حل

چو اول دست قدرت بر قلم زد دو حرف کاف و نون یک جا رقم زد

(هلالی، ۱۳۷۵: ۲۷۷)

منظور از «کاف» و «نون» در بیت بالا همان «کن» است که شاعر به ضرورت شعری به صورت حروف جدا از هم آورده است. این واژه برگرفته از آیه ۳۵ سوره مریم است: «مَا كَانَ لِلَّهِ أَنْ يَتَّخِذَ مِنْ وَلَدٍ سُبْحَانَهُ إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ: خدا را هرگز نشاید که فرزندی اتخاذ کند که وی منزله از آن است، (او قادری است که) چون حکم نافذش به ایجاد چیزی تعلق گیرد همین که گوید: «موجود باش» بی درنگ آن چیز موجود می شود.»

اثرپذیری چندسویه

هلالی جغتایی از این شیوه اثرپذیری به ندرت استفاده کرده است. ابیات زیر از نادر ابیاتی است که می توان این نوع اثرپذیری را در اشعار هلالی مشاهده کرد.

شنیده ام که تکلم نمود همچو مسیح بدین حدیث لب لعل روح پرور او

که: من مدینه علمم علی درست مرا عجب خجسته حدیثی ست من سگ در او

(هلالی، ۱۳۷۵: ۲۱۱)

در این ابیات علاوه بر اینکه تأثیرپذیری تلمیحی (تلمیح به داستان حضرت عیسی (ع)) دیده می شود؛ شیوه تأثیرپذیری ترجمه نیز وجود دارد. مصراع دوم ترجمه این حدیث نبوی است: «أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَ عَلِيٌّ بَابُهَا» (بحارالانوار، ۱۳۸۶:

ج ۲۵: ۲۸۹)

نتیجه‌گیری

بررسی حاضر با رویکردی بینارشته‌ای نشان می‌دهد که قرآن کریم نه تنها به‌عنوان متنی دینی، بلکه به‌مثابه گنجینه‌ای بی‌پایان از مضامین، تعبیر و صور خیال، هم در عرصه ادبیات و هم در قلمرو هنرهای تزئینی دوره تیموری نقشی محوری ایفا کرده است. این پژوهش با تحلیل اشعار سه تن از برجسته‌ترین شاعران این عصر - خواجوی کرمانی، اهلی شیرازی و هلالی جغتایی - و نیز با توجه به بستر هنری غالب آن زمان، به این نتیجه دست‌یافت که تجلی قرآن در فرهنگ تیموری، پدیده‌ای چندبعدی و فراگیر بوده است. یافته‌ها حاکی از آن است که هر یک از این شاعران، بسته به سبک شخصی و عمق دانش دینی خود، از شیوه‌های گوناگونی برای بهره‌گیری از آیات و احادیث استفاده کرده‌اند. در یک نگاه کلی، اثرپذیری واژه‌ای و گزاره‌ای از طریق اقتباس، تضمین و حل، همچنین کاربست تلمیح و رویکرد الهامی - بنیادی، پرکاربردترین روش‌ها در میان هر سه شاعر بوده است. با این حال، سلیقه فردی نیز در اولویت‌بندی این شیوه‌ها مؤثر واقع شده؛ برای نمونه، خواجوی کرمانی به برجستگی بر استفاده از الفاظ قرآن و آفرینش مضامین تازه از رهگذر تلمیح تأکید داشته، حال آنکه اهلی شیرازی، با انس بیشتر با مفاهیم شریعت، بهره‌وری محتوایی و گزاره‌ای را در کانون کار خود قرار داده است. هلالی جغتایی نیز طیفی گسترده از شیوه‌ها را به کار بسته، اما استفاده از تأویل و تصویرآفرینی محض در آثار او کم‌رنگ‌تر است.

در یک نگاه کلان‌تر، این شیوه‌های ادبی در تعاملی تنگاتنگ با هنر معماری و به‌ویژه «تزیینات کتیبه‌ای» همان دوره قرار می‌گیرند. همان‌گونه که شاعران با به‌کارگیری آیات، کلام خود را هم از لحاظ معنوی غنی می‌ساختند و هم بر زیبایی‌شناسی آن می‌افزودند، معماران و خوشنویسان تیموری نیز با حکاکی آیات قرآن بر کاشی‌های معرق مساجد و مدارس، هم فضایی روحانی می‌آفریدند و هم بر شکوه بصری بناها تأکید می‌کردند. این هم‌آهنگی بین شعر و معماری در به‌کارگیری کلام وحی، گویای یک «زبان هنری مشترک» و یک «جهان‌بینی یکپارچه» در تمدن ایرانی - اسلامی عصر تیموری است؛ بنابراین، می‌توان دریافت که قرآن در این دوره، تنها یک منبع الهام جداافتاده نبوده، بلکه خمیرمایه‌ای زنده و پویا بوده که هم در کلام شاعران و هم در نقش‌ونگار بناها جریان داشته و هویت فرهنگی و هنری آن عصر را شکل می‌داده است. این پژوهش راه را برای مطالعات آینده در زمینه بررسی تطبیقی مضامین مشترک در ادبیات و سایر هنرهای سنتی ایران می‌گشاید.

فهرست منابع و مآخذ

کتاب‌ها

- قرآن کریم، ترجمه الهی‌قمشه‌ای، دفتر فرهنگی نور، وابسته به انتشارات مهشاد.
- اهلی شیرازی، محمد بن یوسف. (۱۳۴۴)، کلیات اشعار به کوشش حامد ربانی، نشر سنایی: تهران.
- پیرنیا، حسن و عباس اقبال آشتیانی. (۱۳۸۶)، تاریخ ایران، تهران: بهزاد، چاپ پنجم.
- ابن‌أثیر، ضیاء‌الیدین. (۱۹۹۵)، المثل السائر فی ادب الکاتب والشاعر، تحقیق احمد الحوفی، قاهره دارالنهضة العربیة.
- حلبی، علی اصغر. (۱۳۸۹)، تأثیر قرآن و حدیث در ادبیات فارسی، تهران: اساطیر، چاپ هفتم.
- خرمشاهی، بها. الدین. (۱۳۸۱)، دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، تهران: دوستان، ناهید، چاپ دوم.
- خواجوی کرمانی. (۱۳۷۴)، دیوان اشعار. به تصحیح احمد سهیلی خوانساری. تهران: مروی.
- دانشگاه کمبریج. (۱۳۷۹)، تاریخ تیموریان به روایت کمبریج. ترجمه یعقوب آژند. چاپ اول. تهران: انتشارات جامی.
- راستگو، سید محمد. (۱۳۸۹)، تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی، تهران: انتشارات سمت.
- راشد محصل، محمدرضا. (۱۳۸۹)، پرتوهایی از قرآن و حدیث در ادب فارسی، مشهد: موسسه چاپ و انتشارات ستان قدس رضوی.
- زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۸۳)، روزگاران ایران، تهران: سخن، چاپ پنجم.
- شمیسا، سیروس (۱۳۸۶). فرهنگ تلمیحات، تهران: میترا.
- صفا، ذبیح الله، (۱۳۸۷). تاریخ ادبیات در ایران، ج ۱، تهران: ققنوس، چاپ هفدهم.
- علشیر نوایی، میر نظام الدین. (۱۳۷۵)، مجالس النفاثس، به اهتمام علی اصغر حکمت، تهران: منوچهری، چاپ دوم.
- کلاله، خاور (بی تا)، تاریخ سیستان، تصحیح ملک الشعراى بهار، تهران.
- مدرس‌زاده، عبدالرضا. (۱۳۹۴)، از سیستان تا تهران (سبک شناسی شعر فارسی)، کاشان. دانشگاه آزاد اسلامی واحد کاشان.
- مرزبان‌راد، علی. (۱۳۷۶)، قرآن و حدیث در ادب فارسی، مرکز نشر دانشگاه صنعتی امیر کبیر.
- مغربی، شمس. (۱۳۵۸)، دیوان، مقدمه و تصحیح: ابوطالب میرعابدینی، تهران: نشر زوار.
- نقی‌زاده، محمد. (۱۳۸۷). مبانی هنر دینی در فرهنگ اسلامی، جلد اول (مبانی و نظام فکری)، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

وحیدیان کامیار، تقی. (۱۳۸۵)، بدیع از دیدگاه زیباشناسی، چاپ دوم، تهرانک: انتشارات سمت.

هاشمی خراسانی، حجت. (۱۳۷۲). مفصل شرح مطول، چاپ اول، قم: انتشارات حاذق.

یارشاطر، احسان. (۱۳۳۴). شعر فارسی در عهد شاهرخ (نیمه اول قرن نهم) آغاز انحطاط در شعر فارسی. تهران: دانشگاه تهران.

مقالات:

آزند، یعقوب. (۱۳۸۷)، «کتابت خانه و صورت خانه در مکتب هرات»، گلستان هنر، شماره ۱۰،

آیتی، محمود. (۱۳۹۵)، «ارزیابی سروده‌های مذهبی شاعران برجسته شیعه در سده نهم هجری»، فصلنامه عرفان اسلامی، سال چهاردهم، شماره ۵۵.

ذوالفقاری، محسن، امیدعلی، حجت اله. (۱۳۹۶)، «تحلیل کارکردهای آیات قرآن در اشعار شاه نعمت‌الله ولی»، فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش‌های ادبی - قرآنی (دانشگاه اراک)، سال پنجم، شماره اول.

رجبی کاریزکی، یوسف، عبدی، مهدی، عابدپور، سمیرا. (۱۳۹۵)، «کلام پرودگار در اشعار قاسم انوار (تجلی قرآن در اشعار قاسم انوار)»، کنگره بین‌المللی زبان و ادبیات، دانشگاه فرهنگیان، پردیس شهید مفتاح شهر ری. ۱۵.

میرجعفری، حسین. (۱۳۸۰)، «نقش تیموریان و حمایت آنان در شکوفایی فرهنگ و تمدن ایرانی»، علوم انسانی دانشگاه سیستان و بلوچستان، ویژه نامه تاریخ و علوم اجتماعی.

واثقی خوندابی، داود، ملک ثابت، مهدی، کهدویی، محمدکاظم. (۱۳۹۶)، «بازتاب تأویل‌های قرآنی مثنوی مولوی در مثنوی‌های سلطان‌ولد»، فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش‌های ادبی - قرآنی، سال پنجم، شماره چهارم.